

کاخی که موزه شد

کریم میرزایی، مدرس دانشگاه

«توپقاپو» از دو واژه مجزای «توپ» و «قاپو» شکل گرفته است و به معنی «دروازه توپ» است که در زبان ترکی استانبولی به صورت «توپکاپو» تلفظ می‌شود. «سرای» که به استانبولی «سارای» تلفظ می‌گردد، معنی قصر بزرگ را با خود دارد، چرا که به قصرهای کوچک که به وسیله درختان احاطه گردد، «کوشک» (köşk) اطلاق می‌گردد. در کل معنای «توپقاپوسرای»، «قصر دروازه توپ» است.

پیشینه شهر استانبول به سال ۶۳۳ قبل از میلاد، به زمانی که ساکنان دوریس (Doric) مستعمره و شهر کوچک تجاری‌ای را در آن‌جا بنا نهادند، برمی‌گردد که به بیزانس معروف گشت. دو عامل مهم سکونت و استقرار در آن شهر کهن را اجباری می‌کرد: ۱- ملاحظات زمین‌شناسی و توپوگرافی؛ ۲- اهمیت سوق الجیشی و استراتژیک. این شهر جدید بر دماغه شبه‌جزیره‌ای بنا نهاده شد که بر سه آبراه اشراف و تسلط داشت. با بنای رسمی شهر، بیست و هفت برج نگهبانی برای حفاظت از آن ساخته شد. این شهر بر بالای تپه‌ای که دور تا دور آن با حصار محصور شده بود قرار گرفت که از آن به عنوان اولین آکروپولیس (Acropolis) یاد می‌کنند و جزو نخستین شهر هفتگانه‌ای بود که در افسانه‌ها از آنها با ذکر اینکه بر بلندای تپه جای گرفته‌اند، ذکر شده است.

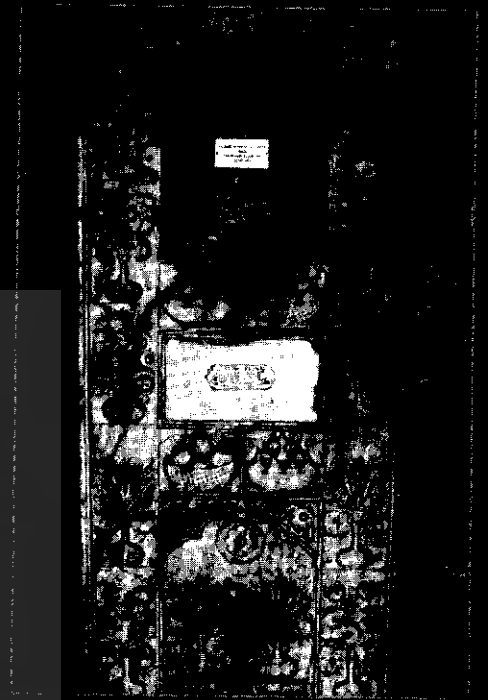
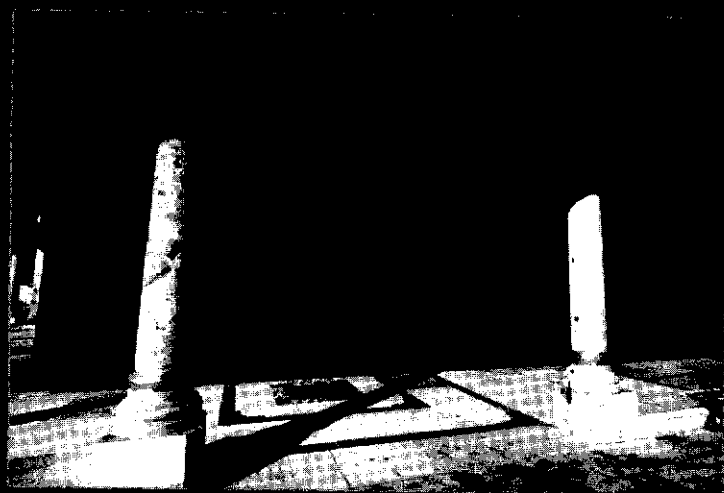
شهر استانبول از شهرهایی است که بارها با تغییرات مواجه بوده است. اولین تغییر اساسی در سال ۱۹۶ میلادی در زمان فرمانروایی امپراتور روم به نام سیتیموس سِوروس (Septimus Severus) رخ داد. او دستور تجدید بنای حصار شهر را صادر کرد. بار دیگر امپراتور روم، کنستانتین (Constantine) کبیر آن را در حد یک کلان‌شهر توسعه داد و با الهام از نام خود، عنوان کنستانتینوپولیس (Constantinopolis) را بر آن نهاد و این شهر پایتخت امپراتوری روم شرقی شد. سپس در سال ۴۱۲ میلادی، امپراتور تئودوسیوس (Theodosius) با هدف ساختن کلان‌شهر جدید عهده دار گسترش و توسعه عمده گردید و برای چندمین بار به ساخت و ترمیم حصار شهر کوشید. در گذر سده‌ها، قصرهایی ساخته، متروک و ویران گردید و باز ساخته شد. بیشتر اینها مشرف به دریای زیبای مرمره بود، چنان‌که امپراتور یوستینیئن (Justinian؛ ۵۶۵-۵۷۸م) بنیادی‌ترین تغییرات را در شهر به‌وجود آورد و تصمیم گرفت قصر جدید خود به نام «بلاچرنای» (Blachernae) را در مکانی بنیان کند که دیواره دریای شاخ زربین (Golden Horn) به حصار شهر می‌رسید و شبه‌جزیره را به دو بخش تقسیم می‌کرد. این قصر تا زمان آلكسیوس کومِنَنوس (Alexius Comnenus؛ ۱۰۶۱-۱۱۱۸ م) رسماً به عنوان اقامتگاه امپراتوری انتخاب شد و سایر قصرهای بیزانسی مطرود واقع شد.

دو هزار و صد و چهل سال پس از بنیان شهر، سلطان جوان عثمانی آن را در سن بیست و سه سالگی فتح کرد. محمد دوم ملقب به فاتح به افتخار ظفر و پیروزی اش استانبول را پایتختی قدرتمند برای اداره امپراتوری وسیع خود برگزید و آن‌جا را کانون جهان‌گشایی، مرکز حاکمیت و محل اقامت خویش اعلان کرد. محلی که او برای ساخت قصر خود انتخاب کرد مکان بی‌بدیلی بود: تپه‌ای پوشیده از درختان زیتون، احتمالاً چندین دیر متروکه، ساختمان‌ها و کلیساهای کوچک، گرمابه‌ها و مناطق مسکونی در ساحل دریا.

قصر جدید مجموعه‌ای بود که نقشی محوری برای طراحی و تصمیم‌گیری در اداره امپراتوری وسیع بازی می‌کرد؛ قصری که از سده پانزدهم تا اواسط سده نوزدهم میلادی مردان و فرمانروایان بزرگی به خود دید و به نام «توپقاپوسرای» معروف شد؛ هر چند بعد از نزدیک ۳۸۰ سال قصر «دولماباغچه» (Dolmabahçe) جای آن را گرفت و محل اقامت پادشاهان اخیر عثمانی شد.



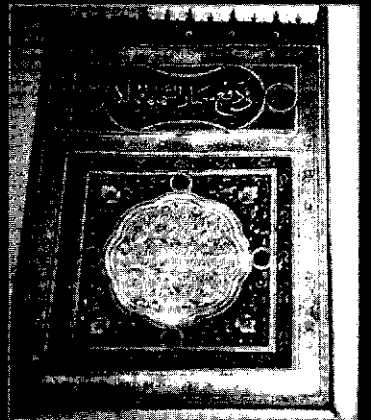
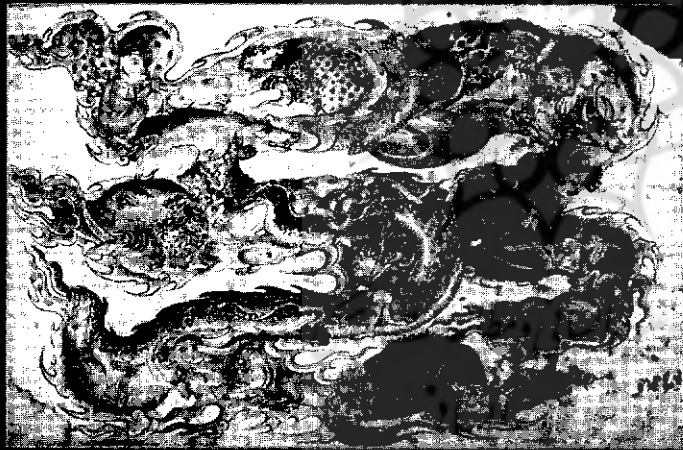
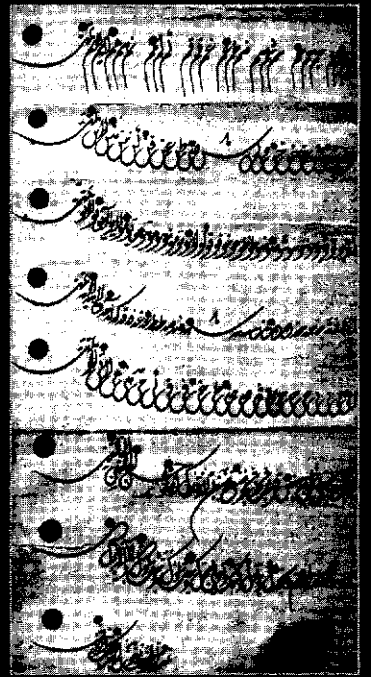
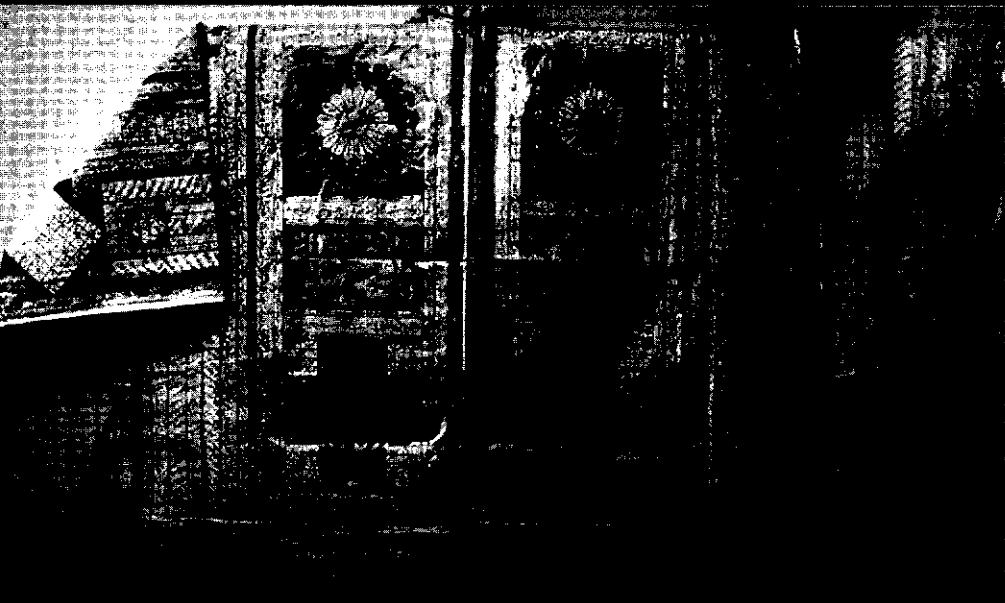
پوشاک و لوازم خانگی
برکت جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





برخی قسمت‌های توپقاپوسرای در زمان سلطان عبدالمجید اول و سلطان عبدالعزیز برای بازدید علاقه مندان بازگشایی شد و از سال ۱۹۲۴ میلادی به بعد به صورت موزه مورد توجه واقع شد.

توپقاپوسرای در واقع مجموعه‌ای از تالارها، اتاق‌ها و حیاط خلوت‌هایی است که به وسیله درهای بزرگی از هم جدا می‌شوند و درختان افراشته سایه حیاط خلوت‌ها را تأمین می‌کنند و دور تا دور حیاط خلوت را بناهای اداری و ستادی گرفته‌اند.

این قصر برخلاف بیشتر قصرهای دنیا که تنها اقامتگاه پادشاهان بوده‌اند، مرکز اداری و دولتی، کانون نشست و اجلاس وزیران، محل خزانه دولتی، ضراب‌خانه و مرکز آرشو اسناد سیاسی، نظامی و اداری و همچنین اقامتگاه پادشاه بوده است و قصر، مرکز عالی آموزش امپراتوری و دانشگاه دولتی و سلطنتی نیز به حساب می‌آمد. قلب امپراتوری عثمانی در این قصر می‌تپید، چرا که امپراتوری وسیع عثمانی که به مدت ۶۲۲ سال بر قسمت‌هایی از قاره آسیا، اروپا و آفریقا حاکمیت و فرمانروایی می‌کرد و به قولی در تاریخ، بعد از امپراتوری روم، تنها امپراتوری‌ای بود که توانست مدت مدیدی بر سرزمین‌های وسیعی از دریای سیاه تا دریای مدیترانه استیلا یابد، حدود ۳۸۰ سال از توپقاپوسرای فرمان می‌گرفت. شایان ذکر است که توپقاپوسرای دومین قصری است که سلطان محمد فاتح بعد از فتح استانبول به سال ۱۴۵۳ بنا نهاد، چرا که قبل از آن قصری به نام «اسکی سرای» (Eski Saray) برای اقامت او ساخته شده بود، ولی سلطان محمد بنا به مصلحت اداری و حکومتی نتوانست بیشتر در آن‌جا سکنا گزیند و ترجیح می‌داد در بین وفاداران و یاران خویش در ادرنه (Edirne) حضور داشته باشد. اسکی سرای بعد از ساخت توپقاپوسرای اقامتگاه ضروری بستگان شاه (مادر، همسران و فرزندان) و بعداً محل زندگی و اسکان زنان فرمانروایان شد که همسران خود را از دست داده بودند و الگوی حرمسرای رسمی قصر جدید قرار گرفت. سلطان محمد فاتح تا اواسط دهه ۱۴۷۰ میلادی در آن قصر اقامت داشت تا اینکه نیاز به ساخت یک قصر جدید که شکوه و عظمتش نماد جاه طلبی و بلندپروازی امپراتور باشد، پیدا کرد و دستور بنای توپقاپوسرای را صادر کرد. توپقاپوسرای نه تنها محل اقامت پادشاه و مرکز حاکمیت شاهان عثمانی، بلکه کانون تعلیم درباریان و افراد مستعد برای اداره و مدیریت در نقاط مختلف امپراتوری بود. کلاس درس در حیاط خلوت مخصوص شاه و با نظارت مستقیم او برقرار می‌شد، چنان‌که بیشتر وزیران و صدر اعظم‌ها از این مدرسه فارغ التحصیل شده بودند. در قصر، از طلوع خورشید تا غروب، هر حرکتی و وضعیتی با مراسم و برنامه خاص همراه بود و همه مجبور بودند با این سنت‌های دیرین سازگار باشند. توپقاپوسرای دارای کتابخانه بزرگی بود که پادشاهان عثمانی بیشترین کتاب‌ها را به آن‌جا اهدا کردند. در بین کتاب‌های اهدایی، کتاب‌های به غنیمت گرفته شده در جنگ‌ها و نسخ مصادره شده از درباریان مخلوع، متوفی و بی وارث و همچنین نسخ پیشکش شده از طرف سفیران، وزرا و پادشاهان ملل مختلف دیده می‌شوند. کارگاهی که در کنار کتابخانه بنا نهاده شده بود در تهیه برخی نسخ و رسائل و مرقعات سهیم بوده است. از کتاب‌های معروف آن دوره شاهنامه‌ها به ویژه شاهنامه آل عثمان در پنج جلد، سلسله نامه‌ها، سورنامه‌ها و غزوه‌نامه‌ها را می‌توان نام برد. در کتابخانه موزه توپقاپوسرای جمعاً ۱۳۴۰۵ نسخه کتاب نگهداری می‌شود.

کارگاه‌های هنری در توپقاپوسرای از همان اوان ساخت قصر در نظر گرفته شده بود که هم حکم کارگاه و هم مدرسه هنری و هم حکم کتابخانه را داشت. نگارگران و مذهبیان، خطاطان، ادرنه کاران (سازندگان جلد روغنی و قلمدان)، رسام‌ها و دیگر هنرمندان در آن‌جا مشغول تصویرگری و کتاب آرایی و کتابت بودند. از جمله این نگارگران می‌توان به احمدبن علی مراغی، بابا نقاش، پیرسید احمد، سنان بیگ، ولی جان (ایرانی تبار)، شاه قلی (ایرانی تبار)، عبدالباقی الباکویی، حسن نقاش، عثمان نقاش و ناصوح متراکچی اشاره کرد که برخی از آنها ایرانی تبار بودند و در تکامل نگارگری عثمانی نقش انکارناپذیری بازی کردند. امروزه در کتابخانه موزه توپقاپوسرای ۱۳۵۳۳ عدد نگاره نگهداری می‌شود که یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های نگارگری دنیاست.

با توضیحی که درباره توپقاپوسرای داده شد، می‌توان به این نتیجه رسید که آن‌جا نه تنها مرکز حکومتی، بلکه محل پرورش و ایجاد نبوغ هنری عثمانی بوده است که به دلیل قرار گرفتن در بین تأثیرات روم شرقی و ایران و همچنین سنت‌های کهن آسیای میانه، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که به یک معنی «هنر عثمانی» را شکل می‌دهد.

نسخ مکتب تبریز صفوی موجود در کتابخانه توپقاپوسرای

الهه بخت‌آور

کارشناس ارشد هنر

در کتابخانه موزه توپقاپوسرای ترکیه هزاران نسخه به زبان فارسی نگهداری می‌شوند که ما سعی کردیم تنها به نمونه‌های فاخر آن که متعلق به دوره صفوی از مکتب تبریز است، اشاره کنیم. این نسخ از شاهنامه‌ها، ظفرنامه‌ها و خمسه‌های مختلف شکل گرفته‌اند که در رأس آنها قرآن کریم به کتابت محمود نیشابوری و به خط نستعلیق خودنمایی می‌کند. نسخی که در این‌جا به آنها اشاره می‌شود از بعد نگارگری و هنر کتابت و کتاب آرایی از شاهکارهای بی‌بدیل هنر ایرانی است. قلم سلطان محمد، دوست محمد، آقا میرک و عبدالعزیز و تنی چند از بزرگان نگارگری عهد صفوی در این میان به چشم می‌خورد. جدول ذیل نشانگر حضور هنر ایرانی در امپراتوری عثمانی و بالطبع تأثیر آن بر هنر آنها است.

ردیف	نام نسخه	تعداد صفحه	تعداد نگاره	هنرمند یا هنرمندان	زبان	سال تولید	سفارش دهنده
۱	البوم بهرام میرزا	***	***	***	***	***	***
الف	نگاره جوان صفوی	***	***	نقاش: سلطان محمد	فارسی	۱۵۳۰ م	***
ب	نگاره شاهزاده و خدمتکارش	***	***	نقاش: دوست محمد	فارسی	***	***
۲	البوم شاه تهماسب	***	***	***	***	***	***
الف	نگاره شیرین و فرهاد	***	***	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
ب	نگاره شاهزاده صفوی	***	***	نقاش: عبدالعزیز	فارسی	۱۵۳۰ م	***
ج	نگاره زن جوان	***	***	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
د	نگاره سلطان و همراهش	***	***	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
۳	حیران السعادین	۱۳۸	۳	خط: محمد نورالکتاب	فارسی	اوایل صفوی	***
۴	خمسه نظامی	۳۲۵	۱۳	***	فارسی	۱۴۴۵-۱۴۴۶ م	***
۵	خمسه نظامی	۲۱۰	۱۵	***	فارسی	۹۹۰ ق	شاه تهماسب
۶	خمسه نظامی	۳۰۵	۱۶	نقاش و خطاط:	فارسی	۱۴۶۲-۱۴۷۶ م	سلطان پیر بدایق والی بغداد
۷	خمسه نظامی	۳۱۷	۱۹	شیخ محمود پیر بدایق نقاش: درویش محمد	فارسی	***	***
۸	دیوان نوانی	۲۱۴	۸	و شیخی	ترکی	***	***
۹	دیوان حافظ	۲۱۰	۸	خطا: حسن قاسم التونی	فارسی	۹۸۹ ق	***
۱۰	دیوان حسینی (اشعار سلطان حسین بایقرا)	۱۲۲	۴	خطا: سلطان علی مشهدی ترکی	ترکی	۸۹۷ ق	سلطان حسین بایقرا
۱۱	شاهنامه	۲۸۸	۱۲	***	فارسی	قرن ۱۰ ق	***
۱۲	شاهنامه فردوسی	۵۷۵	۵۷	***	فارسی	***	***
۱۳	شاهنامه فردوسی	۶۸۶	۲۸	خطا: محمد باکی الکاتب فارسی	فارسی	۹۲۷ ق	سلطان بهادرخان
۱۴	شاهنامه فردوسی	۵۵۴	۳۰	خطا: محمد بخارایی	فارسی	***	***
۱۵	شاهنامه فردوسی	۵۱۹	۲۵	***	فارسی	۹۸۲ ق	***
۱۶	شاهنامه فردوسی	۵۴۲	۲۸	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
۱۷	شاهنامه فردوسی	۵۲۱	۴۸	***	فارسی	قرن ۱۷ م	***
۱۸	فال قرآن	۶۰	۶۰	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
۱۹	قدیمی ترین نسخه خطی قرآن	***	***	خطا: محمود نیشابوری	عربی	۹۴۵ ق	***
۲۰	فائنامه	۴۱	۲۵	اقامیرک، عبدالعزیز	ترکی	قرن ۱۶ م	شاه تهماسب
۲۱	قصص الانبیاء	۲۰۵	۳۲	***	فارسی	۹۸۳ ق	***
۲۲	کلیات حافظ ابرو	۹۳۸	۲۰	***	فارسی	۱۴۲۰ م	شاهرخ
الف	فرشته به امر سلیمان بلقیس را به همراه تختش حمل می کند	***	***	***	***	***	***
ب	ایمان آوردن سام به حضرت عیسی	***	***	***	***	***	***
ج	فتح قلعه خیبر	***	***	***	***	***	***
۲۳	نگاره درویش	***	***	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
۲۴	نگاره مجنون در کوه ها	***	***	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***
۲۵	نگاره شکار شیر	***	***	نقاش: شیخی	فارسی	قرن ۱۵ م	***
۲۶	نگاره شاهزاده و خدمتکارش	***	***	نقاش: سلطانی نقاشی	فارسی	قرن ۱۶ م	***
۲۷	نگاره سلطان و همراهش	***	***	***	فارسی	قرن ۱۶ م	***